

نقد ماده ۲۸-۴ واگذاری انشعاب آب و فاضلاب به مجتمع‌ها با استناد به قرآن کریم

ایران سلیمانی*

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۷

چکیده

با توجه به اهمیت پژوهش در حوزه آموزه‌های دینی این تحقیق با مراجعه به ادله اربعه؛ آیات، روایات، عقل، بنای عقلاء و قواعد مسلم فقهی نتیجه گرفت که جامعه بشری اعم از ادارات و دستگاه‌های دولتی و اسلامی مجریان ذریبط و افراد با آگاهی به حقوق همدیگر ملزم به رعایت قوانین و مقررات بر اساس منابع دینی در جهت حق الناس هستند تا حقوق مردم درهم نیامیزد و حق الناس حفظ شود؛ لذا وقتی قوانین و بخشنامه‌ها از جمله ماده ۲۸-۴ واگذاری انشعاب آب و فاضلاب به مجتمع‌ها موجب تضییع حق جامعه بشری و مصرف کنندگان و حتی بیت المال گردد باید سریعاً درصدد اصلاح آن برآیند و به نحو احسن به نسل آتیه برسانند.

کلیدواژگان: حقوق، جامعه بشری، فقه، حق الناس، عدالت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* استادیار گروه الهیات (فقه و حقوق)، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

مقدمه

در طول تاریخ بشری هر گاه بحث از ارزش مطرح شده، همواره مفهوم عدالت سرلوحه مباحث بوده و این واژه مطلوب همه انسان‌ها بوده است. در ادیان الهی و اسلام نیز از مباحث بنیادین و ممتاز بوده و نقش کلیدی در حیات و سامان بخشی به زندگی جوامع داشته است. با این حال که مفهوم عدالت واضح و روشن است اما از پیچیدگی خاصی برخوردار است، چراکه وسعت آن و وابستگی و ارتباط آن با تمام هستی و حیات انسانی سبب می‌شود، همچنان که حقیقت انسان پیچیده است، این مفهوم هم از مشکلات و پیچیدگی‌هایی برخوردار باشد. تعریف و ماهیت عدالت را توزیع عادلانه ثروت و دارایی‌های جامعه یا اعطای کل ذی حق حقه یا برابری آورده‌اند و امکان عادلانه بودن را به روش‌های گوناگون تفسیر می‌کند: تقسیم برابر، توزیع بر اساس میزان نیازمندی افراد و تقسیم بر اساس میزان کار و تولید از مهم‌ترین تعبیرهای عدالت در جامعه است. در قرآن کریم که به بیان احکام و اوامر الهی می‌پردازد، بسیاری موارد به علل و حکمت تشریح احکام اشاره می‌کند. این مبنای عقلی و شرعی حکایت از عدالت در تشریح الهی دارد.

پس همچنان که خدای سبحان در آفرینش هستی عدالت را لحاظ کرده است، در تشریح احکام و هدایت بندگان نیز عدالت را لحاظ داشته است. از اینجا به توازن و هماهنگی بین نظام تکوین و تشریح پی می‌بریم؛ و نیز در نظام جزا و پاداش الهی در آخرت، هماهنگی با دنیای تکلیف، از قوانین و روابط دقیق و بر اساس میزان اعمال بندگان است. برای تبیین عدالت لازم است خصوصیات و ویژگی‌های آن را که عبارت‌اند از تعادل و میزان دو طرف یا به تعبیری یک جفت از یک چیز را در حالت تعادل حفظ کردن یا برقراری ثبات در یک نظام را به طوری که هر رکنی از آن در جایگاه خویش قرار گیرد و وظایف خویش را انجام دهد که متناسب با معنای حق است یا در امور اعتباری حاکی از برقراری مساوات بین افراد یک مجموعه است به طوری که حقوق همه افراد حفظ شود و به هیچ کس اجحاف نشود. مفهوم حق و مفهوم عدالت چنان به هم گره خورده‌اند که نمی‌توان وجه مفارقی برای آن‌ها یافت. در این تحقیق اعطای حق به ذی حق، پرداخت آب بها به اندازه مصرف مد نظر بوده و جهت اصلاح قوانین مربوطه

نگارش شده است. از آنجا که عدالت جزء فضایل اخلاقی است از این رو افراط و تفریط در آن ظلم و انظلام (پذیرش ظلم) محسوب می‌شود. در حالی که قبول ظلم و تن در دادن به آن هرگز افراط در عدالت نیست و از مقوله دیگری محسوب می‌شود. از آنجا که انشعاب کلی برای چندین خانوار مورد قبول مصرف کنندگان قرار نمی‌گیرد ظلم محسوب می‌شود.

پیشینه تحقیق

در بیان پیشینه پژوهش می‌توان گفت این تحقیق نقد قانون و تحلیل آن است و به طور کلی هیچ یک از تحقیقات تجربی پیشین به طور خاص به بررسی ماده ۲۸-۴ انشعابات پرداخته است؛ لذا سیری در آیات قرآنی در خصوص رعایت عدالت و بررسی قانون فوق الذکر پرداخته شده است. در فصل دوم مقررات عمومی برقراری انشعاب آب و فاضلاب، ماده ۲۸-۴- واگذاری انشعاب آب و فاضلاب به مجتمع‌ها به آپارتمان‌ها و مجموعه‌های مسکونی، تجاری، اداری که تأسیسات لوله کشی داخلی مجزا دارند در صورت وجود امکانات فنی، شرکت انشعاب‌های متعدد واگذار خواهد کرد لیکن در صورتی که تأسیسات لوله کشی داخلی این واحدها مجزا نباشد یک انشعاب واگذار می‌شود. با بررسی محتوای این ماده به نظر می‌رسد عده‌ای سازنده برای کل واحدهای احداثی یک انشعاب اخذ می‌نمایند و رفته رفته به دلیل کم هزینه بودن تعداد آن‌ها بیش‌تر می‌شود. در این صورت اشکالاتی مطرح می‌گردد از جمله اینکه اگر ده واحد یک انشعاب داشته باشد مخالف قوانین و عدالت خواهد بود ضمناً هر واحد به امید اینکه هزینه از کل واحدها اخذ می‌شود اقدام به اسراف در مصرف خواهد نمود. چرا قانون واگذاری انشعابات، انشعاب اختصاصی را الزامی نکرده؟ به نظر می‌رسد این امر به نفع سازنده‌ها و به ضرر حقوق اشخاص و موجب اسراف باشد؟ چرا قانون از هدر رفتن آب به نحو مقتضی جلوگیری نمی‌کند؟ چرا وقتی یقیناً مقدار مصارف خانوار متعدد است چنین قانونی تصویب شده است و خانوارها با مصارف مختلف مجبور به پرداخت هزینه یکسان بوده، در این صورت قطعاً حقوق یک عده ضایع می‌شود؟ طبیعی است نقض این حق موجب فساد در زمین و ظلم در حق دیگران می‌باشد چنانکه در قرآن آمده است: «در

زمین پس از نظم و اصلاح آن به فساد برنخیزید» (اعراف/۸۵) و علامه طباطبایی می‌نویسد: «ظاهر این آیه عام بوده و تمام انواع فساد را که نظام بشری و کره زمین را تهدید می‌کند شامل می‌شود» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۶).

بنابراین بر اساس آموزه‌های دینی هر شخصی که ظالم و خاطی باشد مسئول بوده و مستوجب بازخواست و جبران خسارت می‌باشد که موضع قرآن کریم در این زمینه با واژه‌های خلقت (فرقان/۲)، رحمت، آیه، خلافت، عدالت (نحل/۹۰)، امانت، مالکیت، جلوگیری از فساد (اعراف/۵۶ و ۸۵؛ روم/۴۰)، اعتدال در مصرف (اسراء/۲۶)، جلوگیری از اسراف و تبذیر و افراط و تفریط، حفظ توازن، عدم تجاوز و اعتداء (مائده/۸۶) و... مطرح و حفظ حقوق مردم اقتضا دارد جامعه بشری با تکیه بر مفاد آیات و روایات و قواعد فقهیه که گویای مسئولیت خطیر انسان‌ها در برخورد مناسب و اعتدالانه و بهره‌جویی امانت‌دارانه از مواهب طبیعی و عدم فساد (بقره/۲۰۵ و ۶۰) و عدم تجاوز به حقوق دیگران و احیای موات (شمس الدین، ۱۴۲۱: ۱۶۹) و برقراری نظم و عدالت و رعایت حقوق یکدیگر امین باشند و تعدی و تفریط نکنند تا همه انسان‌ها به حق خود نائل آیند که در این صورت هم حق فرد و هم حق اجتماع و هم حق جمعی حفظ خواهد شد.

این تحقیق به روش تحلیلی استنباطی است. در این رابطه محقق ابتدا سعی کرده است با رجوع به منابع فقهی موجود رویکرد شارع را تحصیل کند و سپس بر پایه داده‌های موجود و منابع دینی به اثبات فرضیه خویش بپردازد. در این تحقیق فقه امامیه تأثیرگذار و قوانین و مقررات تأثیرپذیر و عامل واسط نگاه محقق می‌باشد که این نگاه بر اساس منابع و مبانی و ضمانت اجراها شکل می‌گیرد. با توجه به اینکه روش تحلیلی استنباطی است و یک متغیر «ماده ۲۸-۴ و گذاری انشعاب آب و فاضلاب به مجتمع‌ها» در آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و وابستگی چند متغیر در آن سنجیده نمی‌شود؛ لذا ضرورتی به تبیین روش تحلیل محتوا و جامعه آماری و روش نمونه‌گیری ندارد.

ادله و مستندات

منابع اثبات یا رد هر مواد قانونی، ادله اربعه؛ کتاب و سنت و عقل و اجماع هستند و از ظرفیت‌های بسیار بالایی در جهت وضع رعایت حق الناس برخوردارند. از آنجا که منبع

اصلی حقوق، قانون است که آن هم ریشه فقهی و قرآنی دارد و دستگاه‌های دولتی باید به متن و مفاد قوانین پای بند باشند. با وجود این در جایی که قانون ناقص یا مجمل است، می‌توانند به طور مستقیم به قواعد مذهبی که منشأ آن حکم الهی است، استناد کند. از طرف دیگر از آنجا که قانون از عقل بشری ناقص سرچشمه می‌گیرد به همین جهت نمی‌تواند به پایداری احکام شرع باشد. وانگهی، از دیدگاه اسلام، اجتماع باید خود را با قواعد الهی متناسب سازد. لذا با استناد به ادله اربعه علی‌الخصوص قرآن که از مهم‌ترین ادله اربعه در اخذ احکام بر اساس عدالت می‌توان گفت: عدالت در اسلام در چند سطح مطرح است؛ عدالت در سطح فردی، نظام هستی، خداوند، تشریح و قانونگذاری و عدالت در سطح اجتماعی (عربشاهی، ۱۳۹۵: ۱۱۶) که در هر کدام به نوعی می‌توان تضييع حق نسبت به خود و به دیگر افراد را ممنوع و حرام دانست.

به طور کلی آیات و روایات بسیاری دلالت بر این دارند که به طور عام ایجاباً و سلباً احکام، رعایت عدالت را بیان می‌دارند و به گونه‌ی خوب و حرمت و مستحب و مکروه که بعضاً صورت تکلیفی دارند و بعضاً صورت وضعی، لذا وظیفه انسان تلاش جهت درک و استنباط اصول و احکام در زمینه‌های مختلف است. لیکن این بدان معنی نیست که برای هر موضوع با عنوان ویژه و متداول امروزی آن، حکم خاصی مقرر داشته است، بلکه گاهی کلیات و یا اصول و قواعدی وضع نموده که می‌توان از آن حکم موضوع مورد نظر را به دست آورد. مسأله تخصیص یک انشعاب برای مجتمع‌ها از همین قبیل است. بدون تردید درباره آن و مسائلی از این قبیل در آیات و احادیث و سایر منابع، احکام زیادی وجود دارد که به کمک آن‌ها می‌توان مقررات دقیقی برای حفظ بیت‌المال و حقوق اشخاص به دست آورد.

آیات

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: ﴿وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾ (شوری/۴۰): «و مجازات هر بدی، بدی‌ای است همانند آن. پس اگر کسی عفو کند و (میان خود و خدا و طرف خود را) اصلاح نماید پاداش او بر عهده خداست، حَقّاً که او ستمکاران را (ابتدا کنندگان به بدی و متجاوزان در کیفر را) دوست

ندارد». از این آیه می‌توان استنباطات متعدد نمود که هر عملی از انسان سر بزند چه نیک چه ناپسند مستوجب جزا و پاداش به اندازه عمل اوست.

۱. لزوم رعایت عدالت در پرداخت بهای آب مصرفی

عدالت مهم‌ترین آرمان و آرزوی بشر از آغاز خلقت تا کنون بوده است. عدالت عرصه‌های گوناگونی دارد. همه اوامر الهی بر مبنای عدل استوار شده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ (نحل/۹۰) بنا بر این اعتقاد، همه آنچه از سوی خداوند تشریح شده عادلانه بوده و هیچ شائبه‌ای از ظلم و بی‌عدالتی در آن یافت نمی‌شود. ﴿مَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعِبَادِ﴾ (غافر/۳۱) خدا هیچ اراده ظلم در حق بندگان نکند. بر اساس دیدگاه قرآن لزوم رعایت عدالت، در تمام ابعاد زندگی انسان ضرورت دارد. انسان، در مسیر یاری مؤمنان و مظلومان، نباید از جاده عدالت و اعتدال خارج شود. فرض کنید در یک مجتمع با یک انشعاب؛ یک خانوار در مصرف آب قناعت و صرفه جویی کند و یک خانوار چند برابر مصرف کند اما در دریافت یکسان باشند؟! از آنجا که استفاده از آب مستلزم هزینه هست و باید هر کس به اندازه آب مصرفی هزینه پرداخت کند نه بیش‌تر نه کم‌تر، از این رو بر اساس مفاد آیه ﴿وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا﴾ اختصاص یک انشعاب مخالف عدالت و مفهوم آیه فوق می‌باشد. چراکه جزای بدی و کیفر خطاها در حد مقابله به مثل، مجاز و مشروع است. اگر پرداخت هزینه آب مصرفی را نوعی جزا در نظر بگیریم هر کسی باید به اندازه مصرف خود مجازات (پرداخت آب بها) شود. مجریان احکام الهی در جامعه بشری، در صورت زیاده روی از حد عدالت و مقابله به مثل، خود ستم‌گر و محروم از محبت خدا خواهند بود. با توجه به آیه ﴿إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾ این نکته قابل ذکر است که تسلیم شونده ظلم، کننده ظلم، کمک‌کننده ظلم، همه محکوم و بزهکارند.

﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ﴾ (بقره/۴۰)

«پیمان مرا نگاه دارید تا پیمان شما را نگه دارم»

خداوند متعال در آیات متعدد انسان‌ها را به رعایت عدالت و حقوق و پیمان یکدیگر ملزم نمودند. از این رو تمام قوانین و اجرای قوانین باید بر اساس عهد رعایت حقوق انسان باشد.

﴿خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ﴾ (حج/۱۱)

«در دنیا و آخرت زیانکار است و این زیان آشکار است»

هر کس موجب تضییع حقوق مسلم انسان شود قطعاً زیانکار است.

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ (زلزال/۸)

«پس هر که به اندازه ذره‌ای بدی انجام دهد آن را می‌بیند»

هر کس به اندازه‌ای که مصرف کند باید آب بها بدهد. این امر نه تنها در منابع دینی

آمده بلکه مورد تأیید علوم متعدد نیز می‌باشد.

﴿وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عَاقَبْتُمْ بِهِ﴾ (نحل/۱۲۹)

«و هر گاه خواستید مجازات کنید تنها به مقداری که بر شما تعدی شده

کیفر دهید»

﴿فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ﴾ (بقره/۱۴۹)

«پس هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی و تجاوز کنید»

از آیات فوق چنین استنباط می‌شود که نه تنها افراد بلکه قانونگذار، مسئولین ادارات و

نهادهای باید مطالبات خود را بر اساس عدالت تنظیم و وصول نمایند. اگر قانون فوق

اصلاح شود و از تخصیص یک انشعاب برای چندین خانوار جلوگیری شود ضمن اینکه هر

مصرف کننده به اندازه مصرف هزینه پرداخت می‌کند موجبات اسراف هم از بین رفته

بیت المال هدر نخواهد رفت.

۲. جلوگیری از اسراف

عوامل بسیاری در جامعه وجود دارد که موجب پدید آمدن اسراف و خروج افراد یا

جامعه از حد اعتدال می‌شود. فقها در موارد متعدد، ضمن بحث‌های فقهی، اشاراتی به

اسراف کرده‌اند. مرحوم نراقی که مستقلاً به بحث اسراف پرداخته است، در یک

جمع‌بندی همه معانی اسراف در مال را به «تجاوز از حد» ارجاع داده است. می‌توان اصل

اولی در معنی اسراف را، عملی که تجاوز از حد عرفی یا عقل باشد، دانست؛ اما مفاهیمی

چون جهل، خطا و غفلت، اسباب اسراف هستند و موجب پیدایش آن می‌شوند. از این رو

عدم تفکیک حقوق افراد که منجر به زیاده روی در مصرف شود می‌تواند از عوامل ایجاد

اسراف باشد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا﴾: «بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید» (اعراف/۳۱). از این رو مصرف بدون نیاز، مصرف در نیازهای با اهمیت کم‌تر، در حالی که نیازهای مهم‌تر وجود داشته باشد، مصرف زیاد به خاطر آمیختگی هزینه‌ها با یک انشعاب برای چند خانوار از مصادیق اسراف بوده و مذموم و ناپسند است. نیز از روایات متعددی فهمیده می‌شود که اتلاف مال از ناحیه هر کس و به هر نحو صورت پذیرد اسراف و حرام است. منبعی که بهره برداری از آن بر اساس عدالت نباشد قطعاً مقدمات اسراف را فراهم خواهد کرد. یکی دیگر از معایب یک انشعاب ایجاد ظن و گمان به مقدار مصرف خانوارها است. خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾: «ای کسانی که ایمان آوردید از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، چراکه بعضی گمان‌ها، گناه است» (حجرات/۱۲). لذا با ظن به مقدار مصرف چطور می‌توان هزینه دریافت نمود جای تأمل است.

روایات

امام علی (ع) می‌فرماید یکی از جاهایی که بندگان اجازه دارند که انجام بدهند عقوبت ظالم می‌باشد مظلوم می‌تواند ظالم را مجازات کند و یا از وی درگذرد (مجلسی، ۱۴۰۱، ج ۶۸: ۴۲۵). هر خانواری که مقدار مصرف ناچیزی دارد ولی به علت یک انشعابی بودن ملزم به پرداخت بیش‌تر از مصرف می‌شود می‌تواند جهت اخذ حق خود اقدام کند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُؤْخَذَ بِرُخْصِهِ كَمَا يُحِبُّ أَنْ يُؤْخَذَ بِعَزَائِمِهِ وَأَمَّا الرُّخْصَةُ الَّتِي صَاحِبُهَا فِيهَا بِالْخِيَارِ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى رَخَّصَ أَنْ يُعَاقَبَ الْعَبْدُ عَلَى ظُلْمِهِ فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَهَذَا هُوَ فِيهِ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ عَفَا وَإِنْ شَاءَ عَاقَبَ»: «خداوند دوست دارد امور مباح او نیز انجام شود، همانطور که دوست دارد امور الزامی او انجام گیرد. و اما آن رخصت و اجازه‌ای که صاحبش اختیار دارد، این است که خداوند متعال اجازه و اذن داده است که انسان در مقابل ظلم انتقام گرفته و ظالم را کیفر کند» (مجلسی، ۱۴۰۱، ج ۹۰: ۲۹).

امام صادق (ع): «الْحَسَنَاتُ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَلَى وَجْهَيْنِ وَكَذَا السَّيِّئَاتُ عَلَى وَجْهَيْنِ فَمِنَ السَّيِّئَاتِ الْخَوْفُ وَالْجُوعُ وَالشِّدَّةُ وَهُوَ مَا ذَكَرْنَاهُ فِي قَوْلِهِ وَإِنْ تُصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا

بِمُوسَىٰ (ع) وَمَنْ مَعَهُ وَعُقُوبَاتِ الذُّنُوبِ قَدْ سَمَّاهَا اللَّهُ السَّيِّئَاتِ كَقَوْلِهِ تَعَالَىٰ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا وَالْوَجْهُ الثَّانِي مِنَ السَّيِّئَاتِ يَعْنِي بِهَا أَعْمَالُ الْعِبَادِ الَّذِينَ يُعَاقِبُونَ عَلَيْهَا».

در «تفسیر قمی» از امام صادق روایت شده است: حسنات در کتاب خداوند به دو معنا می‌باشند. همچنین سیئات نیز به دو معنا آمده است: ترس و گرسنگی و سختی از جمله معانی سیئه هستند که گفتیم در این سخن خداوند: ولی موقعی که بدی [و بلا] به آن‌ها می‌رسید، می‌گفتند: «از شومی موسی و کسان اوست» (اعراف/۱۳۱)، به همین معنا می‌باشد. خداوند از کیفر گناهان نیز با نام سیئات نام برده است؛ مانند این سخن خداوند متعال: جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا، معنای دوم سیئات نیز همان افعال بندگان است که بر آن کیفر می‌شوند (مجلسی، ۱۴۰۱، ج ۵: ۲۰۱). از این رو تمام افعال انسان که موجب تضییع حق می‌شود، شامل می‌گردد.

عقل

مقصود از حکم عقل، بخشی از مدرکات عقل عملی است که بر قاعده کلامی حسن و قبح عقلی و نیز قاعده ملازمه میان حکم عقل و شرع، استوار شده است (مظفر، ۱۳۶۸: ۲۰۰).

از نظر عقلی هرگونه اقدام انسانی که به بر هم خوردن توازن و تعادل و تضییع حق انسان بینجامد و موجب اخلال در نظام زندگی و ضرر انسان شود، قبیح است. رکن اساسی این دلیل، مسأله حفظ نظام و بقای نوع آدمی است که از جمله قضایای مشهور به شمار می‌آید و آرای همه عقلا بر آن استقرار یافته و شارع نیز در مقام خالق عقل، با آن موافق است. در نتیجه حکم به ضمیمه قاعده ملازمه حکم عقل و شرع، وجوب شرعی آن است (جعفری، ۱۴۱۹: ۱۵۴).

بی تردید همه چیز در این جهان اعم از مادی و معنوی تحت سیطره انسان است و باید در جهت بقا و کمال انسان به کار گرفته شود. بی گمان به هم خوردن این نظم مشکلاتی اساسی پدید می‌آورد و آسیب‌هایی جدی به جامعه انسان وارد می‌سازد. از این رو بر اساس حکم عقل هر اقدامی اعم از رفتار، گفتار، تدوین، قانونگذاری، بخشنامه و... که به تضییع حقوق بشریت منتهی شود، ظالمانه و قبیح است.

بنای عقلا یا سیره عقلا

بنای عقلا گرایش کلی عقلا یا کنش یا رفتاری است که خردمندان در برخورد با واقعه‌ای بر انجام و عدم انجام عملی صرف نظر از عوامل مذهبی، عقیدتی، نژادی از خود ارایه می‌دهد (مظفر، ۱۳۶۸: ۵۱۴). برای حجیت بناء عقلا شرط است که گرایش عمومی خردمندان بر اساس احساسات، عواطف و تمایلات نفسانی و درونی نباشد بلکه برگرفته از تأمل و تدبیر عقلایی و صرف نظر از هر عاملی باشد در اصطلاح گفته می‌شود «عقلا بما هم عقلا» قواعد عقلایی در زمان شارع وجود داشته باشد و شارع آن را امضا نموده یا لااقل با آن‌ها مخالفت ننموده باشد. اهمیت امنیت، انضباط، حق‌مداری و اعتدال جامعه بشری از قرن‌ها پیش از ظهور اسلام در میان مردم رایج بوده است، بعد از ظهور اسلام با الهام وحی به رسول اکرم (ص) با آیات قرآن کریم بر موضوعیت آن صحنه گذاشته است. بنابراین می‌توان گفت وجود و حفظ امنیت و اعتدال و حرمت تزییع حق الناس از اعتبارات عقلایی نیز محسوب می‌شود که بر حسب نیازهای مردم ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و... دایر و معتبر شده است و شرع مقدس اسلام آن را امضا کرده است. می‌توان با قاطعیت گفت که موضوع مورد بحث مورد تأیید بنا و سیره عقلا است.

قواعد و اصول مسلم فقهی (احکام حمایتی وضعی)

از آنجا که بسیاری از تحولات از امور حادثی است که در عصر تشریح و دوره‌های نزدیک بدان اثری از آن‌ها نبوده است. به طور طبیعی انتظار نمی‌رود احکام تکلیفی و وضعی مرتبط بدان‌ها به طور خاص از مدارک کتاب و سنت به دست آید. در این میان قواعد و اصول کلی شریعت از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود، قواعدی که راز پویایی و انطباق‌پذیری فقه اسلامی بر حوادث پدیدایی جامعه در آن‌ها نمایان گشته است. در اسلام احکام عامی وجود دارد که با استفاده از آن‌ها می‌توان مسائل جدید را بررسی و تطبیق داد و با استناد به آن‌ها می‌توان مانع اجرای اعمالی شد که به ضرر جامعه بشری و تزییع حق آن‌ها می‌شوند. از جمله قواعد اتلاف، تسبیب، لا ضرر، احترام مال مسلمان، تعدی و تفریط و... نام برد.

۱. قاعده اتلاف

قاعده اتلاف در نظر برخی فقیهان از جمله قواعد اصطیادی است (موسوی الخویی، ۱۴۱۷: ۵۲۵). به این معنا که مستند به روایت خاصی نبوده و از مضمون مجموعه‌ای از آیات و روایات از جمله حدیث مشهور «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» برداشت می‌گردد که متضمن مسئولیت شخصی است که غیر مستقیم موجب بروز خسارت گردیده است. بر اساس این نظریه شایع در فقه که به "قاعده اتلاف" شهرت دارد هر کس مال دیگری را تلف کند ضامن است. در این نظریه بعضی از فقیهان تمسک به آن را قاعده عقلایی و بدیهی شمرده‌اند (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۴۳۴). صاحب «جواهر» می‌گوید: «اگر این مطلب را ضروری ندانیم قطعاً اجماع منقول و محصل در مورد آن دلالت دارد» (نجفی، ۱۳۶۵: ۴۶). در هر صورت نظریه اتلاف می‌تواند در مصادیق حفظ حقوق مردم و جبران خسارات وارده بر آن نقش مناسب و پررنگی را ایفا نماید. بر این اساس هر کس حقی را ضایع نماید اعم از فرد، جامعه، ملت، دولت در برابر آن ضامن است. از جمله روایات: عن النبی (ص): «من اخرج میزاباً او کنیفاً او اوتد و تداً او اوثق دابه او حفر شیئاً فی طریق المسلمین فاصاب شیئاً فغصب فهو له ضامن». «هر کس ناودانی یا گودالی در راه مسلمین ایجاد کند، یا میخ یا افسار مرکبش را بکوبد، یا چاهی در راه مسلمین حفر نماید و کسی به آن‌ها اصابت کند و به زمین افتد، ضامن است» (جبعی عاملی، بی تا: ۸۹؛ نجفی، ۱۳۶۵: ۱۲۰). گاهی نیز مبنای مسئولیت تلف، تقصیر ذکر گردیده است. محقق کرکی می‌گوید: «وتضمن الراعی بتقصیره بان ینام عن السائمه او یغفل عنها... او یسلک بها موضعاً یتعرض للتلف» (کرکی، ۱۴۰۸: ۲۸۱)؛ چوپان ضامن تلقی می‌گردد به واسطه تقصیری که در مورد گوسفندان مرتکب شود، به این صورت که با خوابیدن یا غافل شدن (آسیبی به گوسفندان برسد) در اتلاف، تقصیر نهفته است. ولی در تسبیب صرف استناد ضرر کافی است؛ لذا در این بیان، محقق کرکی لفظ تقصیر را نیز به کار برده است. گاهی نیز مبنای مسئولیت تلف، مسئولیت مطلق، یعنی بدون اثبات تقصیر، تلقی شده است. در این زمینه روایت: «هر کس طبابت انسان و یا مداوای حیوان نماید، می‌باید ابتدا از ولی یا مالک اخذ برائت نماید و الا در صورت بروز زیان، ضامن خواهد بود» (جبعی عاملی، بی تا: ۴؛ نجفی، ۱۳۶۵: ۳۲۲)، گاهی نیز مسئولیت تلف

مبتنی بر اماره تقصیر معرفی گردیده است یعنی اماره بر این نهاده می‌شود که عامل زیان مقصر است، منتهی این حق را دارد که عدم تقصیر خود را ثابت نماید و از مسئولیت بری گردد؛ بر خلاف مسئولیت مطلق (بدون اثبات تقصیر) این حق به عامل زیان داده نشده که حتی بی‌تقصیری خود را ثابت نماید (کرکی، ۱۴۰۸، ۲۶۷)؛ دلیل ذیل است که: /بوصیر می‌گوید از /امام صادق(ع) در مورد رنگریزی پرسیدم که لباسی به او سپرده شده بود، و رنگرز ادعا می‌کند که این لباس از بین لباس‌های او به سرقت رفته است. امام(ع) فرمود مگر اینکه رنگرز بینه‌ای اقامه نماید که لباس به سرقت رفته که میرا شود، چنانچه کلیه لباس‌ها به سرقت رفته (بینه‌ای بر عدم مسئولیت رنگرز است) و چیزی متوجه رنگرز نیست (جبعی عاملی، بی تا، باب اجاره، ح ۴).

از بیانات مرحوم شیخ مفید و سید مرتضی نیز چنین به دست می‌آید که صاحبان پیشه مقصر تلقی می‌گردند، مگر اینکه عدم استناد زیان به خود را اثبات نمایند. از بیانات فوق می‌توان نتیجه گرفت تلف کننده ضامن است مگر به طریق شرعی از خود بری نماید (مفید، ۱۴۱۳: ۶۸). پس قاعده اتلاف بیان می‌کند تلف مال غیر به هر نوع و هر قسم موجب ضمان است اینکه با مصارف متعدد خانوارها و پرداخت هزینه یکسان اتلاف محسوب می‌شود. از این رو ماده ۲۸-۴ انشعابات، مشمول قاعده اتلاف و موجب ضمان سازنده و تدوین کننده قوانین می‌گردد.

۲. قاعده تسبیب

بر اساس این نظریه، هر کس سبب خسارت یا تلف مال غیر شود باید از عهده خسارت وارده برآید. علی‌رغم این که نظریه اتلاف تناسب بیش‌تری با رعایت اعتدال و حفظ حقوق مردم دارد و می‌تواند به گونه‌ای حداکثری این وضعیت را تأمین نماید، لیکن باید از نظریه‌ای رقیب در فقه امامیه یاد کرد که ناظر به قاعده مشهور "تسبیب" است. در اینجا مشابه نظریه خطر یا مبتنی بر تقصیر؛ اسناد فعل به عامل زیان اهمیت دارد. صاحب «جواهر» معتقد است موجب مسئولیت مدنی، اتلاف است نه تسبیب و در صورت فقدان اتلاف نیز؛ معیار و ضابطه، روایات متعددی است که تنها می‌توان با الغای خصوصیت، مسئولیت مدنی را به موارد مشابه سرایت داد (نجفی، ۱۳۶۵: ۵۵۰ و ۵۴۱).

برخی از فقها نیز ضمن تصدیق منشأ اتلاف برای ضمان، صرفاً "تحقق عرفی اتلاف" را مبنای مسئولیت قرار داده‌اند (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۶۸). علامه حلی می‌گوید: «السبب ما لولاه ما حصل التلف لكن التلف مستند الى غيره كحفر البئر» (حلی، ۱۴۱۷: ۲۶۴). در فرق سبب و تلف، ضمن توجه به اینکه در تلف ضرر به صورت مستقیم وارد می‌شود و در سبب به صورت غیر مستقیم، ایشان می‌گویند سبب آن است که اگر نبود، تلف حاصل نمی‌شد. اما با این فرق که تلف در اینجا مستند به فعل غیر است مثل کندن چاه (که دیگری در آن افتد) لذا هرگونه اسباب از جمله وضع قوانین و بخشنامه و... که منجر به پایمال شدن حقوق افراد گردد موجب ضمان است.

۳. قاعده تعدی و تفریط

تصرف در دین که توسط انبیا و رسولان الهی ارائه و تبیین شده است. در چارچوب آموزه‌های اخلاقی و حقوقی دین مشروع و جایز می‌باشد تصرفات زینباری که به آفریده و نظام آفرینش آن‌ها آسیب می‌رساند ظلم و در نتیجه حرام است و مرتکب آن مستوجب عقاب الهی است زیرا خداوند ظلم نسبت به هیچ موجودی را بر نمی‌تابد. ﴿وما الله یرید ظلماً للعالمین﴾ (آل عمران / ۱۰۸).

قاعده تعدی و تفریط با قاعده اتلاف، تفاوتی اساسی دارد؛ یعنی مسئولیت در اینجا اعم است از مسئولیت باب اتلاف، حتی در موردی که شخصی از مال خود به گونه‌ای استفاده نماید که موجب اضرار به غیر شود، می‌گویند در اینجا قاعده تعدی و تفریط جاری است (شمس الدین، ۱۴۲۱: ۳۰۰).

از موارد دیگر اعمال نظریه تعدی و تفریط، جایی است که کسی از مشترکات عمومی استفاده کند (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۶۵)، مثلاً نصب یک انشعاب برای مصارف چند خانوار نه تنها موجب تصرف در مال غیر را فراهم می‌کند بلکه زمینه تعدی و تفریط را در مصرف‌کنندگان ایجاد می‌کند (مصرف بی رویه هم تعدی در حقوق دولت و هم ملت محسوب می‌شود). در این صورت علاوه بر دست اندرکاران تدوین و تقنین و توضیح، تمام خانوار ضامن خسارات وارده است. برای جلوگیری از آن باید از تجمیع یک انشعاب جلوگیری شود.

۴. قاعده ضمان ید (علی الید)

مستندات قاعده فوق سیره عقلا، تسالم، ادله احترام مال مسلمانان و برخی روایات می‌باشد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۸: ۲۰؛ مصطفوی، ۱۴۲۱: ۱۷۴). از کاربردهای مشخص فقهی این قاعده در حفاظت از حقوق مردم می‌توان فتوای زیر اشاره کرد؛ زیاده روی به نحو غیر متعارف حرام است و چنانچه موجب اتلاف و ضرر باشد موجب ضمان است (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۳۴۹). در روایت سلیمان بن خالد از امام صادق (ع) در خصوص درخت اراک مکه سؤال شده است که حضرت می‌فرمایند که آن فرد ضامن این اقدام خود می‌باشد و قیمت آن بر ذمه او می‌باشد که باید صدقه بدهد (صدوق، ۱۴۰۹: ۱۱۳). مفاد این قاعده این است که هر کسی که بر مال دیگری تسلط پیدا کند، به هر نحوی، ظلماً، جهلاً، امانتاً، احساناً، ضامن آن مال می‌شود و تا زمانی که آن را به صاحبش بازنگرداند، این ضمان از عهده‌اش ساقط نمی‌شود. قانونگذار با وضع قانون تخصیص یک انشعاب برای چندین خانوار زمینه ایجاد ضمانت را هم برای خود، هم برای مجریان و هم برای مصرف کنندگان فراهم کرده است که به هیچ عنوان ساقط نمی‌شود.

۵. قاعده احترام مال مسلم

این قاعده از روایات مربوط به احترام مال مسلمان به ویژه روایت ابی بصیر از امام صادق (ع) که فرمود: «رسول الله (ص) فرموده است: سِبَابُ الْمُؤْمِنِ فُسُوقٌ... حُرْمَةُ مَالِهِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ» (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۶۸). مفاد قاعده احترام، عدم جواز تصرف در مال دیگران به عنوان یک تکلیف است، در حالی که قاعده اتلاف بیان کننده حکم وضعی ضمان است (خویی، ۱۴۱۲، ج ۳: ۹۱) در واقع قاعده احترام، انسان را از تصرف در مال دیگران بدون اذن آنان بازمی‌دارد؛ در حالی که قاعده اتلاف، وظیفه انسان را پس از تصرف در مال غیر مشخص می‌کند. بر اساس همین قاعده تخصیص یک انشعاب تصرف در مال دیگران آن هم بدون اذن بوده و موجب ضمان است. در ضمن اصول ضروری شریعت که اصولیون مطرح کرده‌اند و در تعداد مقاصد اختلاف نظر دارند؛ در حفظ مقاصد شریعت فردی ضرورت دارد به طریق اولویت هرگونه اعمالی که مقاصد جامعه را مختل و موجب اخلال در امنیت و آسایش جامعه باشد ضرورت بیش‌تری دارد و می‌توان گفت محور

مقاصد شریعت همان حفظ مسأله حقوق بشر است. دیدگاه اسلامی در این زمینه، از این نقطه آغاز می‌شود که مال از آن خداست و انسان به عنوان خلیفه خدا، مالک آن است لذا ملکیت وظیفه‌ای اجتماعی است و نادیده گرفتن این مصلحت می‌تواند مخل امنیت جامعه باشد. تأمین عدالت محوری و کرامت انسان برای تحقق بخشیدن به مفهوم تکریمی است که خدا آن را مایه تمییز و امتیاز انسان از حیوان قرار داده که همانند انسان، برای حیات نیازمند غذا و آب است، زیرا انسان تنها جسمی مادی نیست، بلکه موجودی معنوی هم هست و حفظ او جز به تأمین این ابعاد میسر نیست؛ از این رو حکم مقصد ضروری را پیدا می‌کنند. هرگونه تعدی به اموال ظلم محسوب شود(نقیبی، ۱۳۹۶، دوره ۱۳، ش ۲: ۲۲۴).

لازم به ذکر است؛ به تبع مقاصد فردی مذکور می‌توان مقاصد شریعت در حوزه خاص امت؛ تنظیم نهادی امت، حفظ امنیت، برپایی عدالت، حفظ دین و اخلاق، تعاون و تکافل، ترویج علم و حفظ عقل امت و حفظ حقوق امت و حوزه بشریت؛ شناسایی متقابل، همکاری و مکمل بودن، تحقق خلافت عامه انسان در زمین، تحقق صلح جهانی، ترویج دعوت اسلام را ذکر کرد. تجمیع انشعابات در یک انشعاب هم مقاصد فردی و هم امت را به مخاطره می‌اندازد.

۶. قاعده لا ضرر و لا ضرار

با توجه به سند قاعده لا ضرر در قضیه سمره بن جندب(صدوق قمی، ۱۴۰۹) که در حقیقت روح حاکم بر تمام قوانین اسلامی است(محقق داماد، ۱۳۸۴) ضرری که سمره ایجاد می‌کرد عدم ایجاد امنیت در روابط جمعی بود و هرگز ضرر شخص مطرح نبود بلکه امنیت خانواده را به چالش می‌کشید که یک ضرر جمعی بود، لذا منطق حقوق اسلامی می‌آموزد که با قیاس اولویت به ضرورت جبران خسارت ناشی از تجاوز به حقوق افراد حکم نمود. این قاعده از قواعد حاکمه فقهی است به این معنا که بر هرگونه مقرر شرعی حکومت کرده و تعدی از حدود را اجازه نمی‌دهند(صدر، ۱۴۲۰؛ مصطفوی، ۱۴۲۱؛ بهرامی احمدی، ۱۳۸۹). چنانچه فرد یا جامعه‌ای از عمل شخصی متضرر شوند می‌توانند از راه‌های مشروع ضرر و زیان خود را از او دریافت دارند، و چنانچه این امکان

وجود نداشت می‌توانند به هر نحو که ممکن است از او تقاص نمایند، این قاعده مستند به آیه ۲۳۳ سوره بقره، روایات متعدد، عقل و اجماع می‌باشد. طبق این قاعده هیچ کس نمی‌تواند فعالیت‌هایی که به زیان دیگری باشد انجام دهد (تخصیص یک انشعاب برای مجتمع) و در صورتی که هرگونه زیانی از او به دیگری وارد شود، گرچه این کار او به منظور اعمال حق خویش باشد، ضامن جبران خسارت وارده شده است، جالب اینکه حتی تمسک به اصل تسلیط، «الناس مسلطون علی اموالهم»، تا زمانی امکان‌پذیر است که بین آن و قاعده لا ضرر تعارضی به وجود نیاید. در غیر این صورت، اصل لا ضرر راجح است (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۱۲۵). بر همین اساس، هرگونه تضییع حق چه توسط افراد و اشخاص باشد از جهت شرعی ضامن است و در مواردی که طرف مقابل او اجتماع باشد دولت و ادارات باشد موظف است به نمایندگی از عموم مردم، به احقاق حق آنان و جلوگیری از چنین عملی بپردازد. از این رو تصحیح مواد قانونی در زمینه‌هایی که منجر به تضییع حقوق مردم ضروری به نظر می‌رسد.

نتیجه بحث

اهمیت حق الناس با تأیید قرآن کریم و آموزه‌های شرع مقدس که به مسلمانان سفارش می‌کند با کارهای خود موجبات هلاکت و نابودی خویش را فراهم نکنید، از این رو انسان مجاز نیست، با اعمال و رفتار خود موجبات تضییع حقوق مردم را فراهم آورد و در برابر ضروری‌ترین مسائل بی‌تفاوت باشد و با سهل‌انگاری‌های خود محیط اجتماع را به تعدی و تفریط و اتلاف مال غیر سوق دهد. با بررسی ادله؛ آیات قرآن کریم و روایات معصومین و تأکید عقل و بنا و سیره عقلا و قواعد فقهی این حقیقت قطعی است که اساس تکوین و تشریح و حیات انسان بر اساس عدالت استوار خواهد ماند. از این رو تصحیح مواد قانونی فوق و قوانین مشابه ضرورت دارد.

کتابنامه

قرآن کریم.

- بهرامی احمدی، حمید. ۱۳۸۹ش، قواعد فقه، قاعده لا ضرر با تطبیق بر قوانین و مطالعه تطبیقی، تهران: دانشگاه امام صادق.
- جبعی عاملی، زین الدین. بی تا، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- جعفری، محمدتقی. ۱۴۱۹ق، رساله فقهی، تهران: نشر کرامت.
- حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۴ق، وسائل الشیعة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حسینی عاملی، محمد جواد بن محمد. ۱۴۱۹ق، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة، تهران: مؤسسه النشر الاسلامی.
- حلی، جعفر بن حسن. ۱۴۰۸ق، شرائع الاسلام، تهران: مؤسسه اسماعیلیان.
- خویی، سید ابوالقاسم. ۱۴۱۲ق، مصباح الفقاهة، بیروت: دار الهادی.
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۰ش، لغتنامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صدر، سید محمد باقر. ۱۴۰۸ق، بحوث فی شرح العروة الوثقی، قم: مجمع الشهد آیت الله الصدر العلمی.
- صدوق قمی، محمد بن علی. ۱۴۰۹ق، من لا یحضره الفقیه، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
- عاملی نبطی جزینی، شمس الدین محمد بن مکی بن احمد. ۱۴۲۱ق، اللمعة الدمشقیة، تهران: مؤسسه اسماعیلیان.
- کاتوزیان، ناصر. ۱۳۷۴ش، حقوق مدنی، اموال و مالکیت، تهران: نشر یلدا.
- کرکی، علی بن عبدالعالی. ۱۴۰۸ق، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البيت.
- کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۳۸۷ش، اصول کافی، ج ۲، تهران: انتشارات جهان آرا.
- مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۱ق، بحار الأنوار، ترجمه محمد جواد نجفی، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامی.
- محقق داماد، سید مصطفی. ۱۳۸۴ش، قواعد فقه، چاپ اول، تهران: انتشارات علوم اسلامی.
- مصطفوی، محمد کاظم. ۱۴۲۱ق، القواعد، ما به قاعدة فقهیة، معنی ومدیر کا وموردا، قم: دفتر نشر اسلامی.
- مظفر، محمدرضا. ۱۳۶۸ش، اصول الفقه، چاپ سوم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- مفید، محمد بن نعمان. ۱۴۱۳ق، المقنعة، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.

مکارم شیرازی، ناصر. ۱۴۱۱ق، **القواعد الفقهية**، قم: نشر مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
موسوی الخویی، سید ابوالقاسم. ۱۴۱۷ق، **مصباح الفقاهة**، قم: نشر انصاریان.
موسوی بجنوردی، محمد. ۱۳۷۸ش، **قواعد فقهیه**، چاپ دوم، جلد دوم، تهران: انتشارات مجد.
موسوی خمینی، روح اله. ۱۳۷۹ش، **تحریر الوسيلة**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام
خمینی(ره).
نجفی، محمد بن حسن. ۱۳۶۵ش، **جواهر الکلام**، تهران: نشر دار الکتب الاسلامیه.

مقالات

حسینی، عبدالفتاح. ۱۳۹۱ش، «**بررسی فقهی ماهیت حق**»، مجله علمی پژوهشی پژوهش‌های
فقهی.
عربشاهی کریزی، احمد. ۱۳۹۵ش، «**بررسی عدالت در قرآن کریم در سه محور**»، فصلنامه
مطالعات قرآنی، شماره ۲۸، دانشگاه آزاد جیرفت.
نقیبی، سید ابوالقاسم. ۱۳۹۶ش، «**مقاصد شریعت و جایگاه آن در استنباط حکم شرعی**»، مجله
پژوهش‌های فقهی دانشگاه تهران، دوره ۱۳، شماره ۲.

Bibliography

The Holy Quran

- Arabshahi Karizi, Ahmad, 1395, Investigating Justice in the Holy Quran in Three Axes, Quran Studies Journal, No. 28, Jiroft
- Bahrami Ahmadi, Hamid, 2010, Rules of Jurisprudence, Rule of Law with Comparative Law and Comparative Study, Imam Sadegh University, Tehran
- Jabi al-Ameli, zaynadin, bita, alrozatol bahiia fisharhel allomaa, Islamic school of Islam, Qom
- Ja'fari, Mohammad Taghi, 1419, Jurisprudence Treatise, Karamat Publication, Tehran
- Khoi, Seyyed Abulqasim, 1412, Mesbah al-Fahaha, Dar al-Hadi Publisher, Beirut
- Haram Agali, Mohammad ben Hassan, 1404, vasaal Al-Shi'a, Dar alehya, al-toras, Beirut
- Hali, Ja'farben Hassan, 1408, Shariah al-Islam, Ismaili Institute, Qom
- Hosseini Abdolfattah, 1391, Jurisprudence Review of the Nature of Right, Journal of Jurisprudence Research
- Hosseini Ameli, Mohammad Javad ben Mohammad Hosseini, 1419, Mofatah Al-Karama, Al-Nusra Al-Islami Institute, Tehran
- Dekhoda, Ali Akbar, 1370, Dekhoda Dictionary, University of Tehran Press, Tehran
- Sadogh Qomi, Mohammad Ibn Ali, 1409, Manlayahzoro Al-Faghih, Translated by Ali Akbar Ghaffari, Sadough Publishing, Tehran

- Sadr, Sayyid Muhammad Baqir, 1408, albos fi sharhe aluorvta alvosga, Ayatollah al-Sadr Al-Almi Assembly, Qom
- Ameli, Shamsuddin Mohammed bin Maki bin Ahmad, 1421, Al-lomato al-dameshgeia, Ismaili Institute, Dar al-Nasr Publications, Tehran
- Katoozian, Nasser, 1374, Civil Rights, Property and Property, Yalda Publishing, Tehran
- Karakey, Ali, 1408, jameuol magased fi sharhel ai-gavaed, Al-Baleb Institute, Qom
- Koleini, Mohammad bin Yaghoub, 1387, uosol al-kafi, Volume 2, Jahanara Publications, Tehran
- Majd, Omid, 1380, Translated Quran, kaj Printing House, Tehran
- Majlesi, Mohammad Bagher, Bahar al-Anwar, 1401, Translated by Mohammad Javad Najafi, Islamic Bookstore Publishing, Tehran
- Mostafavi, Mohammad Kazem, 1421, Al-Qavaed, Islamic Publication Office, Qom
- Mozaffar, Mohammad Reza, 1368, uosol Al-Fiqh, Third Edition, Qom Islamic Propaganda Office
- Mohaghegh Damad, Seyed Mostafa, 1384, gavaed al-fegh, First Edition, Islamic Sciences Publication, Tehran
- Mofid, Muhammad bin Muhammad bin Na'man, 1413, Al-Mangana, Sheikh Mofid's Millennium World Congress, Qom
- Makarem Shirazi, Nasser, 1411, gavaed Al-Fiqhah, al-Imam Ali ibn Abi Talib School Publishing, Qom
- Mousavi Alkhouhi, Seyyed Abolghasem, 1417, Mesbah Al-Fahaha, Ansari Publishing, Qom
- Mousavi Khomeini, Rouhollah, 1379, Tahrir Al-vasiyla, Imam Khomeini Institute of Design and Publication, Tehran
- Mousavi Bojnourdi, Mohammad, 1378, gavaed Al-Fiqhah, Second Edition, Majd Publications, Volume II, Tehran
- Najafi, Mohammed bin Hassan, 1365, Jawahar-e-Kalam, Publisher of Ekteb al-Islamiyah, Tehran
- Naqibi, Seyyed Abolghasem, 1396, The Purposes of the Shari'ah and Its Position in Inferencing the Shari'a Law, Journal of Jurisprudential Research, University

A Critic on 4 – 28 Article: Rendering Water & Sewage Junction to Complexes based on Holy Quran

Iran Soleimani: Assistant Professor, Law & Jurisprudence, Islamic Azad University, Ardabil Branch

Abstract

Considering the importance of research in the field of religious doctrines, the present research, referring to the four reasons as Verses, traditions, wisdom, wise reasons and Muslims' rules concludes that human society such as related offices, governmental and Islamic organizations and informed individuals are obliged to respect each other's rights in accordance with religious rules and regulations in order to protect the rights of the people. Thus if rules and circulars such as 4 – 28 article on rendering water and sewage junction to complexes cause right infringement of human society and consumers, must be reformed immediately and passed on to the next generation in the best way.

Keywords: Rights, human society, Jurisprudence, Human rights, Justice.